

کارکرد الغاء خصوصیت در اثبات مسئولیت حقوقی والدین ناشی از آسیب‌های فضای مجازی

سها کارساز^۱

کبری پورعبداللله^۲

چکیده

تکالیف تربیتی والدین منجر به مسئولیت‌های حقوقی ایشان شده و مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ هرگاه والدین در نگهداری و مواظبت از کودک دچار تقصیر شوند مسئول اعمال زیانبار کودک بوده و این مسئولیت بنا بر اطلاق این ماده شامل فعل و ترک فعل ایشان نیز می‌شود. از نظر حقوقی، تربیت ناقص کودک، تقصیر تلقی شده و مسئولیت والدین را به دنبال دارد. وفق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است. از سوی دیگر با الغاء خصوصیت از فضای حقیقی می‌توان گفت همه احکامی که بر فضای حقیقی اعم از تقصیر والدین و ترک فعل ایشان صدق می‌کند بر فضای مجازی نیز صادق است. در رابطه با ضمانت اجرای این قوانین، به جز سلب صلاحیت حضانت از حاضن در فرض متارکه حکمی وجود ندارد و برای قصور والد با وجود مسئولیت ولایت و وظایف حضانتی مادر، چه در دوام زندگی و چه در فراق تدبیر قانونی انجام نشده است و ترک فعل از نوع رها کردن فرزند در فضای مجازی مورد توجه قوانین نبوده است. این مقاله با اتکا بر فقه امامیه و نظام حقوقی ایران در تحقیقی به روش توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای در پی اثبات مسوولیت حقوقی والدین در خصوص آسیب‌هایی است که فضای مجازی بر تربیت کودک خواهد داشت و ضرورت آموزش عمومی را ثابت می‌نماید.

واژه‌های کلیدی

فضای مجازی، مسئولیت والدین، الغاء خصوصیت، آسیب‌های فضای مجازی، ترک فعل.

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
S.Karsaz@gmail.com

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

مقدمه

امروزه انسان‌ها به‌ویژه والدین در زندگی روزمره خود مواجه با مسائلی هستند که حدود یک دهه پیش اثری از آن نبود. از جمله این چالش‌ها، فضای مجازی است که به‌عنوان نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی توانسته است علی‌رغم عمر اندک، به‌سرعت در ابعاد گوناگون زندگی مردم نفوذ کند. گستردگی نفوذ در میان کودکان و نوجوانان، ضریب احتمالی آسیب به آنها را به میزان قابل‌توجهی بالا می‌برد و نیازمند توجه ویژه از سوی والدین است. این مهم با بررسی نقش والدین در تربیت و حضانت فرزندان نقش خود را بیشتر نشان می‌دهد. روشن است که تربیت از ارکان مهم سعادت بشر است و خانواده مهمترین نقش را در آن ایفا می‌کند. به‌عبارت‌دیگر اثرگذارترین نهاد بر تربیت به سبب وجود جایگاه ولایت قهری و وظایف مشترک والدین در حضانت و نگاهداری کودک، نهاد خانواده است. تکلیف به حضانت و تربیت کودک از جمله وظایف مهمی است که حتی در صورت متارکه والدین نیز نباید مهمل و بدون تعیین تکلیف باقی بماند. مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ هرگاه والدین در نگاهداری و مواظبت از کودک دچار تقصیر شوند، مسئول اعمال زیانبار کودک بوده و این مسئولیت بنا بر اطلاق این ماده شامل فعل و ترک فعل ایشان نیز می‌شود. از نظر حقوقی، تربیت ناقص کودک، تقصیر تلقی شده و مسئولیت والدین را به‌دنبال دارد. وفق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به‌سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض است؛ بنابراین اهمیت مسئولیت والدین در قبال فرزندان به‌روشنی در نظام فقهی و حقوقی تبیین شده است، اما به‌جهت تفاوت‌های ماهوی فضای حقیقی و مجازی، آسیب‌های فضای مجازی همانند فضای حقیقی مورد توجه نبوده است. از این رو تقصیر یا قصور والدین اعم از فعل و ترک فعل در مواجهه با فضای مجازی بدون تکلیف باقی مانده است. این مقاله در پی آن است که با الغاء خصوصیت از فضای

حقیقی، مسئولیت حقوقی والدین را در مواجهه با این‌گونه آسیب‌ها به اثبات برساند و ضرورت آموزش عمومی را اثبات نماید.

۱- ادبیات تحقیق

۱-۱- فضای مجازی

قبل از پرداختن به حکم فقهی یک موضوع باید خود پدیده را به خوبی بشناسیم. به عبارت دیگر گام اول «موضوع‌شناسی» است. اصطلاح «فضای مجازی»^۱ اولین بار در سال ۱۹۸۲ میلادی توسط ویلیام گیبسون^۲ مطرح شد. معمولاً واژه «سایبر»^۳ را هم معادل واژه فضای مجازی می‌دانند. در تبیین مفهوم آن از واژه‌های گیبسون این‌گونه توصیف کرده است: «فضایی تخیلی که از طریق اتصال رایانه‌ها و پیوند انسان‌ها، ماشین‌ها و منابع اطلاعاتی به یکدیگر در جهان پدید می‌آید». اندرسون آن را «واقعیت خلق شده توسط رایانه» توصیف می‌کند، واقعیتی که در دنیای واقعی و محیط مادی، مکانی را اشغال نکرده و در اذهان کاربران در نتیجه تعامل، به واسطه قدرت ابزار الکترونیکی عینیت یافته است. در واقع به اعتقاد او واقعیت مجازی، واقعیتی است که وجود فیزیکی ندارد و نرم‌افزار آن را تولید می‌کند (کفشدار طوسی و جهانگیری، ۱۴۰۰، ص ۲۳).

۱-۲- الغاء خصوصیت

پیرامون الغاء خصوصیت این‌گونه گفته شده است: «الغاء خصوصیت احتمال وجود خصوصیت را در اصل را کنار می‌گذارد درحالی‌که احتمال ممنوعیت وجود این خصوصیت در فرع نیز منتفی می‌باشد، ازسوی دیگر احتمال وجود مانعی در فرع برای تحت حکم قرار گرفتن وجود ندارد، به این شرط که نفی دو احتمال فوق با ظهور یا استنباط باشد نه از راه نص». سرایت حکم از اصل به فرع بعد از الغاء، مرهون قیاس پیچیده‌ای است که در آن تمام موضوع برای این حکم در فرع موجود است. در نتیجه

1. Virtual Space / Virtual environments
2. William Gibson
3. Cyberspace

تخلف حکم از موضوعش محال است؛ بنابراین حکم همان‌طور که در اصل موجود است در فرع نیز موجود است (لجنة الفقه المعاصر، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۸؛ ساعدی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۱). تحقیق وجود الغاء خصوصیت نیازمند بررسی دو موجب اصلی از نوع علم و ظن می‌باشد و برای موجب رایج که همان موجب ظن می‌باشد دارای مناشیء مختلف است (لجنة الفقه المعاصر، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۹). منشأ اول از موجب ظهور، تمثیل است. از کلمات برخی فقها استنباط می‌شود که یکی از منشأهای ظهور در عدم خصوصیت تمثیل است (بحرانی، بی‌تا، ج ۵، صص. ۴۴۱-۴۴۲). چنانچه گفته شده است در احادیثی که در ابواب مختلفی مانند عبادات ذکر شده و اشاره به رجل داشته، ظهور در این دارد که رجل از باب مثال است. چراکه در بیشتر احکام و سؤال‌ها از احکام در خصوص مردان بوده و پاسخ نیز به ایشان داده شده؛ بنابراین تا وقتی که خصوصیت ویژه‌ای برای مردان در این رابطه وجود نداشته باشد، آنچه در نصوص به آنها اشاره شده است از باب تمثیل است و تفاوتی میان مرد و زن نیست.^۱ البته این نکته حائز اهمیت است که از مجموع روایات تمثیل استظهار می‌شود و نه از یک یا دو روایت (لجنة الفقه المعاصر، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۹). منشأ دوم از موجب ظهور مقدمیت یا طریقت می‌باشد، بدین معنا که گاه موضوع به نحو مقدمیت و طریقت برای چیزی اتخاذ می‌شود و موجب الغا خصوصیت و سرایت حکم به هر آنچه که صلاحیت مقدمه شدن یا طریق قرار گرفتن برای آن حکم باشد می‌شود. مانند صب ماء در اخبار وارده در غسل که این صب مقدمه جریان آب بر بدن است همان‌طور که در برخی روایات به آن اشاره شده است که صب خصوصیتی ندارد، بلکه جریان آب بر بدن موضوعیت دارد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۲۲۹). همچنین رسیدن دست به زانو در رکوع راهی است برای شناختن حد انحناء رکوع و خصوصیتی در آن نیست؛ بنابراین این اعتبار طریقی است و موضوعی نیست که مراعات آن توسط همه لازم باشد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص. ۳۳۴). منشأ سوم از موجب ظهور ابتلا و غلبه می‌باشد. همان‌طور که در

۱- در رابطه با تمثیل مثال‌های دیگری نیز وجود دارد؛ مثلاً در روایتی راجع به ظن مأموم اشاره شده است که در نماز جماعت ظن پیدا می‌کند که امام به رکوع رفته است، اما بعد متوجه می‌شود که امام در رکوع نیست و به حالت قبل برمی‌گردد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۳۹۱). درحالی‌که ظن از باب مثال است و برای عذر و آنچه مدنظر می‌باشد حکم غیرعامد است (خویی، ۱۴۱۸ق).

قرآن کریم آمده است: «و ربائبکم اللاتی فی حجورکم» (نساء: آیه ۲۳) و فرمایش امام صادق علیه السلام در مورد خیار مجلس که در آیه شریفه و حدیث مذکور به موردی اشاره شده است که مورد غالب است، چراکه در بیشتر موارد دختران زنان همراه آنان به خانه شوهر می‌روند و نیز مورد غالب در عقد بیع، تغایر متعاقدین است، اما این حکم در رابطه با متعاقدین واحد هم مصداق دارد. منشأ چهارم از مناشی ظهوری با عنوان استبعاد فرق بدین معناست که میان دو موضوع اشاره شده و موضوعی که به آن اشاره نشده بعید است فرقی وجود داشته باشد و حکم فقط شامل موضوع مذکور نمی‌شود. در این رابطه به الحاق مبتدئه و مضطر به ذات عادت در اخبار وارده در خصوص موضوع اخذ به عادت در نساء می‌توان اشاره نمود (همدانی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۹۴). منشأ پنجم از مناشی ظهوری ارتکاز عرفی است، بدین معنا که اگر نص در موردی آمده باشد که ارتکاز عرفی آن را وسیع‌تر از مورد اشاره در نص بدانند این ارتکازات عرفی و عقلایی دامنه ظهور را می‌تواند به نحو توسعه و تضییق تغییر دهد. از همین روی به آیه شریفه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (اسراء: آیه ۱۵) دلالت بر براءة می‌کند و به قاعده قبح عقاب بلا بیان اشاره می‌کند. دلیل بر این دلالت این است که آیه شریفه خصوصیت رسول بودن را ملغی می‌نماید و موضوع در این آیه مطلق بیان است (لجنة الفقه المعاصر، ۱۳۹۹، ص ۱۸۴).

می‌توان چنین بیان داشت که تحقیق وجود الغاء خصوصیت در موضوع مورد بررسی می‌تواند مشتمل بر بیش از یک منشأ از مناشی ذکر شده باشد. همچنان‌که در بحث حاضر تحقیق الغاء خصوصیت از فضای حقیقی در ترک فعل‌های والدین می‌تواند مبتنی بر موجب رایج که همان ظن غالب است می‌باشد. منشأ تحقق ظن هم در این مصداق می‌تواند شامل ابتلا و غلبه، استبعاد فرق و ارتکاز عرفی است. این نتیجه از آن روی است که اولاً آن مورد از ابتلا و غلبه تا کنون فضای حقیقی بوده، از سوی دیگر در اذهان عمومی عرفی بعید است فرقی میان فضای حقیقی و مجازی وجود داشته باشد. در رابطه با ارتکاز عرفی نیز فهمی که نزد متشرعه و غیرمتشرعه از مسئولیت حقوقی والدین وجود دارد، شامل هر دو صورت فضای حقیقی و فضای مجازی می‌باشد. چراکه در منشأ مورد ابتلا و غلبه در مثال ربائب بیان شد که چون مورد غالب نزد عامه مردم چنین بوده که زنان فرزندان خود را به

خانه شوهر می‌بردند. این مورد از باب غلبه بیان شده است که در مصداق مورد بحث در این مقاله نیز وجود دارد. چراکه مسئولیت والدین در فضای حقیقی موردی است که اغلب محل ابتلای والدین است و به‌همین دلیل در باب مسئولیت حقوقی ایشان به آن اشاره شده است. در رابطه با استبعاد فرق نیز می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که بعید است فرقی میان مسئولیت حقوقی والدین در فضای حقیقی و مجازی وجود داشته باشد. همان‌طور که در ذهن عامه بعید است که استنحاء با سه سنگ یا از سه قسمت مجزای یک سنگ تفاوتی داشته باشد. با منشأ ارتکاز عرفی نیز باید به عدم خصوصیت فضای حقیقی اذعان نمود - هر چند در متن قانون به فضای حقیقی اشاره شده است - اما مرتکبات عرفی و عقلی به‌دست آمده از قرائن مختلف، مسئولیت والدین در فضای مجازی را نیز مانند فضای حقیقی برمی‌شمرد. چنانچه در نصوص مربوط به تنجس مایعات هر چند به آب مضاف اشاره نشده است، اما ارتکاز عرفی خصوصیات موارد اشاره شده در اخبار وارده را مانع از سرایت حکم به آب مضاف نمی‌داند.

۱-۳- تربیت

تربیت از ارکان مهم سعادت بشر است و خانواده مهمترین نقش را در آن ایفا می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، اثرگذارترین نهاد بر تربیت به‌سبب وجود جایگاه ولایت قهری و وظایف مشترک والدین در حضانت و نگاهداری کودک، نهاد خانواده است. تکالیف تربیتی والدین منجر به مسئولیت‌های حقوقی ایشان شده و مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، هرگاه والدین در نگهداری و مواظبت از کودک دچار تقصیر شوند مسئول اعمال زیانبار کودک بوده و این مسئولیت بنا بر اطلاق این ماده شامل فعل و ترک فعل ایشان نیز می‌شود. یکی از مصادیق احراز تقصیر والدین اثبات نقص تدابیر تربیتی کودک است. به‌منظور تبیین بهتر موضوع لازم است مفهوم تربیت به‌درستی بیان شود. تربیت در زبان فارسی به‌معنای پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به‌کار رفته است. واژه ترکیبی تعلیم و تربیت نیز به‌معنای آموزش و پرورش آمده است (دهخدا، ۱۳۲۸، ص. ۵۵۰). در زبان عربی واژه تربیت مصدر

باب تفعلیل است، این واژه می‌تواند با دو ریشه ریب و ربو در ارتباط باشد (ابن فارس، ۱۳۹۲، ص ۴۱۳). با انتخاب هرکدام از این ریشه‌ها معانی نیز متفاوت می‌شود، ریشه «ریب» به معانی گوناگونی چون حضانت، در دامن خود پروردن، حفظ و مراعات و سرپرستی، اصلاح و بر عهده گرفتن کاری و ملازمت با آن ایجاد چیزی و به تدریج تکامل بخشیدن به آن به کار می‌رود. ریشه دیگر واژه تربیت می‌تواند از ماده «ربو» هم باشد که در معانی چون زیادت، رشد و نمو و علو به کار می‌رود. معانی ریشه دوم با توجه به کاربرد آن بیشتر ناظر به پرورش جسمی و مادی است. در حالی که معانی ریشه اول بیشتر ناظر به پرورش دیگر ابعاد است. به نظر می‌رسد ماده «ربو» ترجیح کمتری دارد (اعرافی، ۱۳۹۱، صص ۸-۹). نیکو انجام دادن همه شئون کودکان تا جایی که جسم و علم و عقل کودک رشد کند و قیام برای تدبیر امور کودکان به نحوی که هر آنچه در امور دنیا و آخرت به صلاحشان است به ایشان افزوده شود (موسوعه احکام الاطفال و اولتها، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۵۸). همچنین معنای تربیت به لحاظ لغوی شامل ادب نیز می‌شود. این معنا در برخی از روایات نیز به چشم می‌خورد (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹). در کلمات فقها نیز تربیت به صورت جداگانه تعریف نشده است، اما می‌توان گفت واژه حضانت شامل تربیت نیز می‌شود (علامه حلی، ج ۱، ص ۵۴؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۳۱؛ جامع المدارک، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۲۳؛ خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۲۲) و مقصود از حضانت در عبارات برخی فقها سلطه و ولایت بر تربیت است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۱) که از این عبارات وجوب تعلیم و تربیت نیز استنباط می‌شود (الدروس الشرعیة، ج ۳، ص ۷۶؛ العروه الوثقی، ج ۳، ص ۷۴).

اما از منظر اصطلاحی می‌توان گفت واژه تربیت کاربردهای گوناگونی دارد، گاهی واژه تربیت در معنای اعم از آموزش و پرورش استعمال می‌شود و پرورش همه ابعاد انسان را مدنظر دارد (کاردان و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۳۳۷). البته گاهی هم تربیت در عبارت ترکیبی تعلیم و تربیت به کار می‌رود که همان معنای اعم تربیت را دارد و در این نوشتار مقصود این معنا هست. می‌توان گفت عنصر مشترک تمام تعاریف تربیت وجود نقطه‌ای است که فرایند تربیت از آن آغاز می‌شود و پس از طی زمان و مسافتی مشخص به مقصد مشخص نائل می‌گردد. این مقصد می‌تواند فعلیت دادن به استعدادها یا یک فرد انسانی باشد با این تعبیر در بیت حرکتی تدریجی است که در نقطه آغاز و بر مبنای

استعدادهای بالقوه متربی توسط مربی آغاز شده و پس از طی مسافت و مقداری مشخص به نقطه پایان که همانا رشد و شکوفایی و به فعلیت رسیدن آن استعدادها است، منتهی می‌گردد (اعرافی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵).

۱-۴- مسئولیت والدین

در کلمات فقها والدین مسئولیت دارند که کودک را از آنچه موجب اضرار به اخلاق و عقاید اوست مصون نگه دارند و عدم توجه به این مسئولیت موجب ایجاد ضمان است (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص. ۱۳). این وجوب از برخی احکام از جمله شرط مسلمان بودن حضانت‌کننده برای فرزند مسلمان به دست می‌آید (علامه حلی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص. ۳۴۵). با توجه به مطالبی که در خصوص تربیت بیان شد، همچنین مفادی که در حوزه مفهوم حضانت و نگاهداری اطفال در موارد مختلف بیان شده است، باید گفت تکالیف تربیتی والدین منجر به مسئولیت‌های حقوقی ایشان شده و مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، هرگاه والدین در نگهداری و مواظبت از کودک دچار تقصیر شوند، مسئول اعمال زیانبار کودک بوده و این مسئولیت بنا بر اطلاق این ماده شامل فعل و ترک فعل ایشان نیز می‌شود. البته در خصوص مسئولیت حقوقی والدین لازم است به مفهوم مسئولیت مدنی، ارکان و گستره آن نیز توجه نمود. در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد گفته می‌شود که در برابر او مسئولیت مدنی دارد. بر مبنای این مسئولیت، رابطه دینی ویژه‌ای بین زیان‌دیده و مسئول به وجود می‌آید. در ایجاد این رابطه دینی اراده هیچ‌کدام از آن دو حاکم نیست، حتی در موردی که مسئول به عمد به دیگری زیان می‌رساند، چون مقصود و اجرا رفع ایجاد دین برای خود کار او را باید در زمره وقایع حقوقی شمرد. البته گاه کلمه مسئولیت را با رنگ و طنین اخلاقی ممزوج می‌کنند. مسئول به کسی گفته می‌شود که خطاکار است و باید مکافات گناهی را که مرتکب شده است ببیند. برخی به این فکر نظم علمی داده و بر آن هستند که همه مسئولیت‌ها را بر مبنای قواعد اخلاقی و مذهبی توجیه کنند؛ بنابراین آنچه حقوق می‌گوید قواعد اخلاقی است که ضمانت اجرای مادی و حکومتی یافته است، اما در نظام کنونی بین

مسئولیت اخلاقی و مدنی باید تفاوت گذاشته شود، چراکه مسئولیت اخلاقی به معنی شرمساری وجدان و احساس گناه است و بیشتر جنبه شخصی دارد. از نظر اخلاقی کسی را محکوم و مسئول می‌شناسند که دست به کاری نکوهیده دست زده و قابل سرزنش باشد. همچنین این مسئولیت هیچگاه از تقصیر جدا نیست ولی مسئولیت مدنی رفته‌رفته جنبه نوعی و اجتماعی می‌یابد، معیارهای کلی پیدا می‌کند و تقصیر نیز از مفهوم اخلاقی خود فاصله می‌گیرد. در مسئولیت مدنی ورود ضرر شرط تحقق و از ارکان مسئولیت است، اما در نگاه اخلاق همین‌که وجدان شخص متأثر و شرمسار شود یا توده مردم کاری را ناشایسته ببینند، مسئولیت به وجود می‌آید هر چند که زیانی به دیگری نرسیده باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۹، صص. ۹-۱۲).

۱-۵- ارکان مسئولیت مدنی

ارکان مسئولیت مدنی عبارت است از وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار، رابطه سببیت به این فعل شخص و ضرری که وارد شده است. در رابطه با مفهوم ضرر می‌توان گفت، در هر جا که نقص در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، ضرری به بار آمده است. زیان‌هایی که برای جبران آن مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود به دو گروه مادی و معنوی تقسیم می‌گردد. مقصود از ضرر مالی زیادی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال یا کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص به آنان می‌رسد. صدمه‌هایی که به سلامت و حیات شخص وارد می‌شود و زیان‌های مالی نیز برای او به بار می‌آورد مثل هزینه درمان ضرر مالی است. به‌طور کلی کاستن از دارایی شخص و پیشگیری از فزونی آن جمع‌بندی ضرر مالی می‌تواند باشد، اما تعریف زیان و ضرر معنوی دشوارتر است و برای آنکه مفهومی از آن به دست آید می‌توان گفت، صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی را ضرر معنوی گویند، مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی. شاید بتوان گفت تعیین مرز بین ضررهای مادی و معنوی به صورت قاطع امکان‌پذیر نیست، چراکه بسیاری از صدمه‌های روحی و

اخلاقی موجب ایجاد ضررهای مالی نیز می‌شود و در روابط مالی شخص با دیگران آثار نامطلوب دارد (کاتوزیان، ۱۳۶۹، صص. ۱۴۲-۱۴۴). از عبارات فوق روشن می‌شود که ضرر دارای مفهوم عرفی است و برای آن معنی گسترده قائل است که شامل هرگونه زیان مادی و معنوی از جمله عدم‌النفع می‌شود. (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۱، ص. ۹۲). از منظر ترمینولوژی حقوق نقص بر مال دیگری یا صدمه بر جان کسی یا وهن در عرض دیگری، وارد کردن ضرر است به شرط اینکه مقتضی قریب آن محقق شده باشد (جعفری/نگرودی، ۱۴۰۱، ش ۱۹۱۸).

فعل زیانبار دومین رکن مسئولیت مدنی است. از این رو مفهوم تقصیر در کنار فعل زیانبار معنا می‌شود. البته تعاریف مختلفی در حوزه مسئولیت مدنی از تقصیر وجود دارد. برخی معتقدند تقصیر کاریست نامشروع که قابل انتساب به مرتکب باشد که این تعریف عنصر نوعی یعنی نامشروع بودن نفس عمل و عنصر شخصی یعنی قابل استناد کار نامشروع به فاعل آن را داراست. از این حیث و با این تعریف کاری تقصیر شمرده می‌شود که مرتکب از بابت انجام آن قابل سرزنش باشد و دیوانه و کودک مسئولیت پیدا نکند. همچنین گاه تقصیر تجاوز از تعهدی که شخص به عهده داشته است معنا شده است. البته اما با توجه به این تعریف برای شناختن تقصیر باید تعهدات هرکس را معین نمود و اموری را که لازمه احتیاط است به دقت برشمرد که این خود نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است. از منظر قانون مدنی از جمع مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ می‌توان استنباط کرد انجام کاری که شخص حکم قرارداد یا عرف می‌بایست از آن پرهیز کند یا خودداری از کاری که باید انجام دهد تقصیر نامیده می‌شود. در نظر قانون‌گذار داوری درباره تقصیر جنبه نوعی دارد نه شخصی؛ زیرا نه تنها در تعریف شرایط جسمی و روحی خطاکار توجه نشده است، معیار تمیز خطا نیز داوری عرف است (کاتوزیان، ۱۳۶۹، صص. ۱۸۶-۱۹۲؛ صفایی و رحیمی، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۸).

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و تقصیر یا فعل زیانبار کافی نیست بلکه باید رابطه سببیت یا علیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیانبار وجود داشته باشد. عبارت مختلف قانونی به‌ویژه جمله مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد، در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و عبارت نتیجه حاصل مستند بر رفتار مرتکب

باشد، در ماده ۴۹۲ قانون و عبارتی مشابه در ماده ۵۲۸ مفید همین معنی است، پس از زیان‌دیده برای مطالبه خسارت باید اثبات کند که رابطه سببیت بیت بین خسارت وارده و عمل خواننده دعوا وجود داشته است (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۴؛ کاتوزیان، ۱۳۶۹، ص. ۲۷۱).

با توجه به مطالب مذکور و مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که اگر والدین در نگهداری و مواظبت از کودک دچار تقصیر شوند، مسئول اعمال زیانبار کودک بوده و این مسئولیت بنا بر اطلاق این ماده شامل فعل و ترک فعل ایشان نیز می‌شود، در رابطه با هر دو فضای حقیقی و مجازی قابل استناد است. چرا که برخی صاحب‌نظران برای فضای مجازی نیز اصالت قائل شده و سیاری از الزامات شرعی و اخلاقی در دنیای بیرونی، در فضای مجازی نیز بی‌هیچ تفاوتی وجود دارند؛ برای نمونه در حوزه منکرات و محرّمات، سرقت، کذب، غیبت، تهمت، اشاعه فساد و فحشا، هجو مؤمن، حفظ کتب ضلال و غیره در فضای مجازی و با استفاده از ابزارها و قابلیت‌های این فضا، دقیقاً همان احکامی را دارند که در فضای بیرونی دارند (ملکزاده؛ بنابراین در رابطه با تربیت که یکی از وظایف اصلی والدین است نمی‌توان فقط به صرف مجازی بودن، از مسئولیت سر باز زد، بلکه به نظر می‌رسد ارکان مسئولیت مدنی در این جا وجود دارد و اگر توسط والدین اهمال صورت گیرد، مقصر خواهند بود. از سوی دیگر وفق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض است. حال با ابتلاء بیشتر کودکان به استفاده از فضای مجازی سلب مسئولیت از والدین در این خصوص مخالف با تشیید مبانی خانواده خواهد بود. همچنین با توجه به معنای تربیت و مسئولیت والدین در حضانت، الزام شرعی موجود در نصوص آیات و روایات با هدف دور نگه داشتن خانواده از اعمالی که موجب عقاب است^۱، وظیفه قانونی وفق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی که نگهداری از فرزندان حق و

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ

تکلیف پدر و مادر می‌باشد، موجب تقویت ارتکاز عرفی است که از فضای حقیقی الغاء خصوصیت نموده و این مسئولیت شامل فضای مجازی نیز می‌شود.

۱-۶- آموزش عمومی

ضمانت اجرای مسئولیت مذکور نیازمند تقنین به شکل‌های مختلف است و پیشگیری برای به وقوع نپیوستن این تقصیر اهمیت بیشتری دارد. یکی از راه‌هایی که جنبه پیشگیرانه دارد، آموزش عمومی است. آموزش‌های عمومی، آموزش‌هایی است که بنابه مقتضیات و شرایط حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی، باید به‌وسیله دستگاه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط به آحاد جامعه ارائه شود. این آموزش‌ها برای به‌روز کردن اطلاعات افراد جامعه و برای مواجه شدن درست با مسائل و مشکلات مبتلابه انجام می‌گیرد (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۲). این آموزش‌ها می‌تواند در حوزه ایمنی و سلامت، رفتارهای اجتماعی و آموزش‌های تربیتی تعریف شود و یکی از وظایف حکومت برای آحاد جامعه ایجاد شرایط چنین آموزش‌هایی است (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۶۱).

۲- روش تحقیق

اطلاعات در این مقاله به روش اسنادی-کتابخانه‌ای گردآوری شده و نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی است و به‌صورت استقرایی به تحلیل محتوا می‌پردازد. اساساً بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی از روش «مطالعات اسنادی» استفاده می‌کنند (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴). در این روش، پژوهشگر داده‌های خود را از منابع و اسناد موجود انتخاب کرده و با تجزیه و تحلیل آنها به یافته غنی‌تری دست

اللَّهُ مَا أَمْرُهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نکه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به‌طورکامل) اجرا می‌نمایند! (سوره تحریم: آیه ۶).

می‌یابد. به عبارت دیگر روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعاتی درباره پدیده‌هایی که قصد مطالعه آن را داریم.

هرچند پژوهشگران، مراحل مختلفی را برای اجرای روش اسنادی مطرح کرده‌اند و وحدت رویه‌ای در این خصوص وجود ندارد، ولی برخی از مراحل اصلی آن، بین رویکردهای مختلف، مشترک است. به صورت کلی مراحل انجام روش اسنادی را می‌توان در گام‌های ذیل نشان داد (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴):



شکل شماره ۱: فرایند کلی پژوهش

نتیجه‌گیری

تحقیق وجود الغاء خصوصیت در موضوع مسئولیت والدین می‌تواند مشتمل بر بیش از یک منشأ از مناشی ذکر شده به وسیله ظهور باشد. همچنان‌که در بحث حاضر تحقیق الغاء خصوصیت از فضای حقیقی در ترک فعل‌های والدین می‌تواند مبتنی بر موجب رایج که همان ظن غالب است می‌باشد. منشأ تحقق ظن هم در این مصداق می‌تواند شامل ابتلا و غلبه، استبعاد فرق و ارتکاز عرفی است. این نتیجه از آن‌روی است که اولاً آن مورد از

ابتلا و غلبه تا کنون فضای حقیقی بوده، از سوی دیگر در اذهان عمومی عرفی بعید است فرقی میان فضای حقیقی و مجازی وجود داشته باشد. در رابطه با ارتکاز عرفی نیز فهمی که نزد متشرعه و غیرمتشرعه از مسئولیت حقوقی والدین وجود دارد، شامل هر دو صورت فضای حقیقی و فضای مجازی می‌باشد.

با منشأ ارتکاز عرفی نیز باید به عدم خصوصیت فضای حقیقی اذعان نمود - هر چند در متن قانون به فضای حقیقی اشاره شده است - اما مرتکبات عرفی و عقلی به دست آمده از قرائن مختلف، مسئولیت والدین در فضای مجازی را نیز مانند فضای حقیقی برمی‌شمرد.

اگر والدین در نگهداری و مواظبت از کودک دچار تقصیر شوند، مسئول اعمال زیانبار کودک بوده و این مسئولیت شامل فعل و ترک فعل ایشان نیز می‌شود و در رابطه با هر دو فضای حقیقی و مجازی قابل استناد است. چراکه فضای مجازی نیز اصالت داشته و بسیاری از الزامات شرعی و اخلاقی در دنیای بیرونی، در فضای مجازی نیز بی‌هیچ تفاوتی وجود دارند؛ برای نمونه در حوزه منکرات و محرّمات، سرقت، کذب، غیبت، تهمت، اشاعه فساد و فحشا، هجو مؤمن، حفظ کتب ضلال و غیره در فضای مجازی و با استفاده از ابزارها و قابلیت‌های این فضا، دقیقاً همان احکامی را دارند که در فضای بیرونی دارند.

لازم است متصدیان امر تعلیم و تربیت، مسئولیت والدین در خصوص آسیب‌های ناشی از فضای مجازی از جمله سرفصل‌های آموزش عمومی قرار داده و توجه لازم را به این امر مهم مبذول دارند. تجربه رفتارهای ناهنجار نوجوانان و کودکان در این چند ماه اخیر، نشان‌دهنده تأثیر فزاینده این آسیب‌ها و رهاشدگی فرزندان در فضای مجازی است. از این رو تحقق آموزش عمومی امری ضروری و فوری به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۲)، معجم مقاییس اللغة، بی‌جا: دار الفکر.

احمدی، علی اصغر (۱۳۷۹)، ضرورت آموزش عمومی، بی‌جا: پیوند.

اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱)، تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی، تربیت اسلامی،

سال ۷، شماره ۱۴، صص ۸-۲۸.

انصاری، قدرت‌اله (۱۴۲۹ق). موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار

علیهم‌السلام.

بحرانی، یوسف (بی‌تا)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه انتشارات

اسلامی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی (ره).

خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵)، جامع المدارک فی شرح المختصر المنافع، تهران: مکتبه

الصدوق.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۸)، لغتنامه دهخدا، بی‌جا: بی‌نا.

ساعدی، جعفر (۱۳۸۶)، وحدت مناظ و القای خصوصیت، فصلنامه فقه اهل بیت، سال ۱۳،

شماره ۵۰.

شامی عاملی جزینی، ابو عبدالله شمس‌الدین محمد بن مکی بن محمد (۱۴۱۷ق)، الدروس

الشرعیه فی فقه الامامیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴)، مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، سال ۸، شماره ۲۹، صص. ۶۱-۹۱.
- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۱)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۷)، العروه الوثقی، لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات:.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: استقلال.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹)، حقوق مدنی (ضمنان قهری، مسئولیت مدنی)، تهران: دانشگاه تهران.
- کاردان، علی محمد (۱۳۷۲)، فرهنگ و آموزش و پرورش فرهنگی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱، صص. ۶۰-۴۵.
- کفشدار طوسی، احسان‌اله و جهانگیری، محسن (۱۴۰۰)، فقه فضای مجازی، مشهد: دانشگاه علوم انسانی رضوی.
- لجنه الفقه المعاصر (۱۳۹۹)، الفائق فی الاصول، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- محمدپور و دیگران (۱۳۹۹)، حق بر تعلیم و تربیت در فقه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی و ماهیت آن، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۱۴.
- ملکزاده، محمدحسین، درس خارج فقه فضای مجازی، جلسه اول / <http://mabaheth.ir/>
- همدانی، رضا (۱۴۲۰ق)، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه مهدی موعود.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹